

عوامل مؤثر بر همگرایی در روابط ایران و مصر و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

دکتر غلامرضا علاماتی^۱

وحید حسن پور^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۲۴

چکیده

ایران و مصر به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای و تأثیرگذار جهان اسلام، می‌توانند با گسترش همکاری، منافع مشترک متعددی را از قبال این روابط پیگیری نمایند که تحقق این هدف مستلزم شناخت زمینه‌های متعدد هم‌گرایی در روابط دو کشور و راه‌کارهای پیش‌روی برای بهبود شرایط است. در این راستا پژوهش‌گر برآن است تا این روابط را مورد بررسی قرار دهد. چشم‌انداز روابط ایران و لزوم شناخت آثار امنیتی این روابط برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران امنیتی جمهوری اسلامی ایران محقق را برآن داشته است تا ضمن بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی به برشماری عوامل مؤثر بر همگرایی در روابط ایران و مصر پرداخته و پس از اخذ نظر خبرگان به این نتیجه می‌رسد که عوامل «حمایت ایران از موضوع فلسطین»، «حمایت تاریخی ایران از اخوان المسلمین» و «عضویت دو کشور ایران و مصر در کنفرانس اسلامی، جنبش عدم تعهد و...» به‌عنوان مهم‌ترین عناصر مؤثر بر همگرایی روابط ایران و مصر و موجبات تقویت امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران را فراهم آورده است. بر این اساس پیشنهاداتی را جهت بهره‌برداری علاقمندان به مسایل پیرامون روابط ایران و مصر مطرح می‌نماید.

کلید واژه‌ها: ایران، مصر، هم‌گرایی، امنیت سیاسی.

۱- استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)؛

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک دانشگاه جامع امام حسین(ع).

مقدمه

در شمال آفریقا مصر به‌عنوان یک کشور عربی از جایگاه ویژه‌ای در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران برخوردار است، چرا که ایران و مصر دو کشور مهم و قدرتمند با پتانسیل بالا در دو منطقه حساس و راهبردی جهان در آفریقا، خاورمیانه و آسیا قرار گرفته‌اند و دارای تمدن و فرهنگ کهن در روابط تاریخی، فرهنگی دیرینه بوده و هستند و به‌عنوان دو مرکز عمده و حوزه اصلی تمدن شرق از دیرباز با یکدیگر ارتباط داشته و در ساخت و پیشبرد تاریخ و تمدن بشری نقش بسیار تعیین کننده ایفا کرده‌اند. بنابراین تبیین علمی، کاربردی و تحلیلی به روابط دو کشور و بررسی عوامل همگرایی فی‌مابین در شرایط فعلی و مطالعه تأثیرات آن عوامل بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ روابط دو کشور روبه گسترش بوده و در نتیجه سیاست خارجی ایران و مصر هم‌سو گشت و دو کشور در بسیاری از مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی موضع واحدی اتخاذ کردند. در این ۹ سال دوستی دو کشور از حد روابط ساده دیپلماتیک فراتر رفته و به‌صورت یک اتحاد استراتژیک در آمد و به‌دلیل همجواری آنان به ترتیب با کانال سوئز و خلیج فارس، دو کشور ایران و مصر تبدیل به متحد غرب شدند و روابط گسترده اقتصادی نیز بین دو کشور برقرار شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به‌دلیل عضویت مصر در پیمان ننگین کمپ دیوید دوره اختلاف این دو کشور آغاز شد و نتیجه آن قطع روابط دو کشور در سال ۱۹۷۹ بود.

اینک و پس از پیروزی انقلاب ۲۵ فوریه مردم مصر و قرار گرفتن آن کشور تأثیرگذار جهان عرب در کنار ایران که خود جلوه‌های ویژه‌ای از فرهنگ و تأثیرات بین‌المللی را با خود به‌همراه دارد می‌تواند تأثیرگذاری بسیار بالایی را در چشم‌انداز همگرایی بیشتر دو کشور در ابعاد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ترسیم کند. مطالعه این روند و بررسی تأثیرات همگرایی حاصله بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران وجهه همت این مقاله قرار خواهد گرفت.

بیان مسأله

ایران و مصر در دو سوی خاورمیانه به‌عنوان دو قدرت تأثیرگذار منطقه‌ای با جایگاه در خور توجه در هرم قدرت جهان اسلام، به‌دلیل همجواری ایران با تنگه استراتژیک

عوامل مؤثر بر همگرایی در روابط ایران و مصر و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

هرمز و در اختیار داشتن کانال سوئز از سوی مصر به عنوان نقاط مهم ژئوپلیتیکی، از موقعیتی تعیین کننده برخوردارند. جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرتی تاریخی با شیب فزاینده اقتدار خویش از جایگاهی انکار ناپذیر در سطح منطقه‌ای برخوردار بوده و از طرفی دیگر باتوجه به وزن ژئوپلیتیکی بالای مصر و مناسبات منطقه‌ای و اثر گذاری آن در شمال آفریقا و همجواری با دشمن شماره یک جهان اسلام یعنی رژیم صهیونیستی سطح، نوع و میزان روابط دو کشور مصر و ایران تأثیر تعیین کننده در مقوله امنیت ملی و به تبع آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت. اگر چه عوامل متعددی نظیر موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران و توانمندی-های آن، وقوع انقلاب اسلامی و تغییر در چینش چیدمان قدرت منطقه‌ای خاورمیانه، بر معادلات منطقه‌ای اثرگذار بوده است. بنابراین رخداد بیداری اسلامی در شمال آفریقا و برخی از کشورهای جنوب غرب آسیا و به قدرت رسیدن اخوان المسلمین در مصر و سابقه همراهی آن در راستای آرمان فلسطین بار دیگر توجه اندیشمندان و علاقمندان روابط بین‌الملل را به حوزه مصر معطوف داشته عوامل مؤثر همگرایی در روابط ایران و مصر را به عنوان پارامتری مؤثر برای سایر مسایل جهان اسلام و منطقه در ویتترین توجهات صاحب نظران قرار داده است. این مهم در کنار اشتراکات دو کشور در زمینه عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی و جنبش عدم تعهد و... ضرورت بررسی تأثیرات همگرایی روابط فی‌مابین ایران و مصر را دوچندان می‌نماید.

از این رو این تحقیق به دنبال آن است که ضمن بررسی عوامل همگرایی در روابط ایران و مصر، به بررسی تأثیر آن عوامل بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته و پاسخی مناسب به سؤالات تحقیق ارائه نماید.

اهمیت و ضرورت موضوع

ثمرات نزدیکی روابط دو کشور ایران و مصر به عنوان دو قدرت مهم منطقه‌ای در جهان اسلام علاوه بر دستاوردهای مرسوم روابط دیپلماتیک، می‌تواند بستر لازم برای تقویت محور مقاومت در منطقه و ارتقای قدرت کشورهای اسلامی و جایگاه مسلمانان را فراهم آورد. از دیگر سو، ثمره قهری و بلافصل نزدیکی مصر به ایران، تباعد و دوری آن کشور از رژیم صهیونیستی است که این مهم، ضرورت تلاش بیشتر برای خلق و

گسترش بسترهای لازم برای این کار را بیش از پیش پدیدار می‌سازد. حال با توجه به این واقعیت که لازمه هرگونه توسعه پایدار در روابط فی‌مابین دولت‌ها بر شناخت دقیق عوامل همگرایی موجود در میان آن‌ها استوار بوده و کسب منافع دوسویه از روابط، مورد انتظار هر دولتی می‌باشد؛ اهمیت و ضرورت شناسایی و احصای عوامل همگرایی خود را دوچندان می‌نمایاند.

سؤالات تحقیق

- ۱- حمایت ایران از موضوع فلسطین به‌عنوان یک عامل مؤثر بر همگرایی در روابط ایران و مصر چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند داشته باشد؟
- ۲- با توجه به قدرت‌گیری اخوان‌المسلمین در مصر جدید، حمایت تاریخی ایران از اخوان‌المسلمین به‌عنوان یک عامل همگرایی در روابط ایران و مصر چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند داشته باشد؟
- ۳- عضویت دو کشور ایران و مصر در کنفرانس اسلامی، جنبش عدم تعهد و... به‌عنوان یک عامل مؤثر بر همگرایی در روابط ایران و مصر چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند داشته باشد؟

اهداف تحقیق

بررسی تأثیرات عوامل اشتراک‌آفرین نظیر «حمایت ایران از مسأله فلسطین و حمایت تاریخی ایران از اخوان‌المسلمین و همچنین عضویت دو کشور در کنفرانس اسلامی و جنبش عدم تعهد» به‌عنوان بخشی از عوامل مؤثر بر همگرایی در روابط ایران و مصر.

نوع و روش تحقیق

نوع تحقیق از نوع کاربردی است و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

ادبیات نظری

فرآیندی که دولت‌ها یا واحدهای سیاسی مجزا از هم به‌طور داوطلبانه و آگاهانه قسمتی از اقتدار خود و اعمال آن، جهت دستیابی به اهداف مشترکشان صرف‌نظر می‌نمایند. (عزتی، ۱۳۳۸: ۲۵)

همگرایی یک پدیده فرآیندی است.

همگرایی به فرآیند رقابت و تجمیع آگاهانه دولت‌ها و کشورها بر اساس هدف مشترک و عمدتاً در قالب نهادهای فوق ملی و بین‌المللی اطلاق می‌شود. همگرایی در دو شکل از حیث توازن مطرح است.

۱- همگرایی متوازن که در آن اعضا بر اساس آگاهی و اختیار و با هدف دستیابی به یک نتیجه مطلوب دور هم جمع می‌شوند مانند؛ ایک یا کنفرانس اسلامی.

۲- همگرایی نامتوازن در شرایطی تحقق می‌یابد که یا کشور استعماری، یا یک قدرت جهانی یا یک قدرت مسلط منطقه‌ای پیش‌تاز ایجاد تشکل می‌کند و پیروان و طرفداران خود را به درون تشکل می‌کشد و ضمن رهبری مجموعه قدرت خود را به نحو مضاعفی افزایش می‌دهد و در واقع بلوک سازی می‌کند، نمونه این همگرایی‌ها کشورهای مشترک‌المنافع انگلیس یا روسیه با اعضای سابق شوروی یا نفتا در امریکا یا شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان را می‌توان ذکر کرد. (عاشوری، ۱۳۷۰: ۴۹)

در همگرایی تلاش بر این است که از عوامل اختلاف در زمینه‌های ناسیونالیستی همچون وفادارهای ملی و احساسات ملی‌گرایی، با پای‌بندی به منافع جمعی و مشترک کاسته شود و از طریق شروع و گسترش همکاری فنی و تکنیکی، اقتصادی و تجاری، عقیدتی و فرهنگی و حتی سیاسی به ایجاد صلح و آرامش در یک منطقه یا جهان کمک نمود. مانند بسیاری دیگر از نظریه‌های معاصر روابط بین‌المللی نظریه همگرایی، هم یک تئوری نسبتاً جدید و هم حاکی از نحوه نگرشی نسبت به یک مسأله کهن و قدیمی می‌باشد، که از زمان پیدایش سیستم کشوری (دولت- ملت) مطرح بوده است. این نظریه در واقع یک واکنش نارضایت‌مندانه و اظهار عدم تمایلی است نسبت به این سیستم جدید کشوری، چرا که چنین سیستمی در بطن خود ایجادکننده تعارضات و کشمکش‌ها می‌باشد. بنابراین در رابطه با ریشه‌های نظریه همگرایی تشبیه جالب «شراب کهنه در شیشه نو» نموده‌اند که حاکی از دو مسأله است، اول: همان‌طور که گفته شد، این نظریه نگرشی است نسبت به یک مسأله قدیمی، دوم: نو بودن مطلب است که بحث‌های علمی و جدیدی را در حول و حوش این نظریه، به‌ویژه در دو سه دهه اخیر مطرح نموده است. به بیان دیگر این نظریه علیرغم قدیمی بودنش به صورت علمی پس از جنگ جهانی دوم به تجزیه و تحلیل بخشی از مسایل روابط بین‌الملل و سیاست‌های منطقه‌ای پرداخته است. لیکن به سبب آن که هنوز بعضی از پارامترهای اصلی آن و

- همچنین متغیرهای وابسته و مستقل آن از یکدیگر متمایز نگریده‌اند، هنوز بحث‌های زیادی در مورد آنان وجود دارد. (طیبیان، ۱۳۶۲: ۸۹)
- از نظر قلمرو، همگرایی‌ها در چهار سطح مطرح هستند:
- ۱- سطح محلی که دو یاسه کشور کنار هم یا هم هدف را شامل می‌شود؛
 - ۲- سطح منطقه‌ای که یک منطقه ژئوپلیتیکی مانند جنوب آسیا را شامل می‌شود یا اتحادیه عرب؛
 - ۳- سطح قاره‌ای مانند جامعه اروپا، اتحادیه آفریقا؛
 - ۴- سطح جهانی مانند سازمان ملل. (حافظ نیا، ۱۳۷۶: ۵۲)

شرایط همگرایی

یکی از مسائلی که در رابطه با همگرایی مطرح می‌شود مسأله حاکمیت و به اصطلاح جنبه‌های نامرئی حقوقی در رابطه با واحدهای سیاسی است، یعنی تحت چه شرایطی می‌توان دولت‌ها را در یک گروه‌بندی منطقه‌ای مثلاً در چارچوب اتحادیه‌ها یا سازمان‌های منطقه‌ای جای داد، بدون آن‌که هویت این واحدهای سیاسی دستخوش دگرگونی شود. پس از جنگ جهانی اول و پس از قرارداد «ورسای» است که می‌بینیم طرفداران حکومت جهانی نیز نارضایتی خود را نسبت به وجود دول مستقل و مجزا از هم و حاکمیت‌های جداگانه ابراز می‌دارند و در بطن آن و رنگ و بوی ملی‌گرایی و مناقشات را احساس می‌نمایند. در ادامه این روند است که بعد از جنگ جهانی دوم نیز تعداد واحدهای سیاسی مجزا منشأ مناقشات منطقه‌ای و جهانی تشخیص داده شده و سعی بر این می‌شود که سازمان‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایجاد شوند تا جایگزین دول ملی گردند. (طیبیان، ۱۳۶۲: ۹۸)

همگرایی فرآیندی است که در آن به‌بازی‌گران اصلی و محیطی‌شان اهمیت زیادی داده می‌شود، به‌قول گولتانگ تنها هنگامی بازیگران جدید به‌طرزی محکم همگرا می‌گردند که تصاویر تشکیل شده به‌وسیله او و دیگران بر هم منطبق شوند، بدین ترتیب فرآیند همگرایی تکمیل می‌شود. اگرچه هر سه نوع همگرایی در یک زمان می‌توانند وجود داشته باشند. گولتانگ یادآور می‌شود که در جهان معاصر سازمان‌ها و انجمن‌ها، گرایش بیشتری به افزایش دارند تا گرایش به مسأله سرزمین‌ها. اگر سازمان‌ها شبکه‌های

عوامل مؤثر بر همگرایی در روابط ایران و مصر و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

وابسته متقابل ایجاد کنند و انجمن‌ها نکات جدیدی از هویت به وجود آورند در آن صورت مسأله‌ای که با آن مواجه می‌شوند توسعه و تشکیل یک جایگزین برای اشکال موجود تمامیت ارضی است. (بهزادی، ۱۳۳۸: ۱۰۲)

نویسندگان مربوط به همگرایی جنبه‌های مشترک زیادی دارند همه آن‌ها به فرایندی فکر می‌کنند به وسیله آن وفاداری از یک مرکز به مرکز دیگری انتقال می‌یابد، آن‌ها در مورد ارتباطات در داخل واحدهایی که می‌خواهند همگرا گردند اشتراک نظر دارند. به قول «دویچ» و «اتزیونی» مردم می‌آموزند که خود را اعضای جامعه واحدهایی به شمار آورند. این امر در نتیجه الگوهای ارتباطات انسانی صورت می‌پذیرند. در کل، نظریه پردازان همگرایی خاطر نشان می‌سازند که اشخاص به جهت انتظارات خویش در زمینه پاداش و جریمه مشترک رفتارهای همگرا اختیار می‌کنند، در ابتدا چنین انتظاراتی در میان گروه‌های نخبه هم در بخش دولتی و هم خصوصی رشد، می‌نماید. (امیر احمدی، ۱۳۷۵: ۴۳)

تحولات روابط ایران و مصر

نگاهی به روابط ایران و مصر پس از انقلاب اسلامی ایران

در زمان سرنگونی حکومت پهلوی و تأسیس جمهوری اسلامی ایران، ساختار نظام دو قطبی و جنگ سرد همچنان باقی بود. براساس منطق نظام دو قطبی و جنگ سرد ایران همچنان می‌باید خود را با یکی از دو ابر قدرت متحد می‌ساخت. اما این اتفاق نیفتاد و جمهوری اسلامی ایران سیاست خود را بر مبنای اصل نه شرقی و نه غربی مبتنی ساخت. ایران به دنبال آن بود که استقلال و عدم تعهد خود را به هر یک از دو ابر قدرت نشان دهد. بنابراین باید گفت هر چند ساختار نظام بین‌الملل بر سیاست خارجی ایران تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی تأثیر داشت، اما ظاهراً پس از تشکیل جمهوری اسلامی ایران این تأثیر دیگر وجود نداشت. با تأسیس دولت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ تا اواخر دهه ۱۹۸۰ که نظام دو قطبی استوار بود، سیاست خارجی ایران بر این انگاره استوار بود که جنگ سرد و نظام دو قطبی بر سیاست خارجی ایران تأثیر ندارد. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۶۵)

انقلاب ایران باعث شد آمریکا و شوروی، ضمن فروش تسلیحاتی بیشتر در منطقه، حضور قوی‌تری را نسبت به پیش از انقلاب و سیاست دو ستونی واگذاری امنیت

منطقه به کشورهای شاخص تجربه کنند. (پورسعید، ۱۳۸۷: ۲۸۲) با وقوع انقلاب اسلامی ایران سیاست کارتر رییس جمهور امریکا که در سال ۱۹۷۶، یعنی سه سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به قدرت رسیده بود، تغییر کرد. دولت کارتر در ابتدا نگرشی اخلاقی و هنجاری در سیاست خارجی داشت که به خاطر حوادث تلخ دهه ۷۰ و مسایل ویتنام اتخاذ شده بود. وی ظهور آرمان‌گرایی و تأکید به عقاید و ارزش‌های سنتی امریکا را نوید می‌داد. (بای، ۱۳۸۴: ۹۵) اما پس از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و اشغال افغانستان از سوی شوروی، خلیج فارس اولویت اول کارتر در سیاست خارجی اعلام گردید و او اعلام کرد که هر اقدامی به وسیله نیروهای خارجی برای در اختیار گرفتن خلیج فارس، اقدام علیه منافع ایالات متحده محسوب می‌شود و با آن برخورد خواهد شد. اما تحولاتی که در ایران به وجود آمده بود، چیزی نبود که به ضرر شوروی باشد؛ چرا که خروج ایران از پیمان بغداد، انحلال مراقبت استراتژیکی و استراق سمع امریکا در بندترکمن، که شوروی دایم به وجود آن معترض بود و فرو نشاندن بلند پروازی‌های نظامی ایران که به مسکو فرصت بیشتری برای فعالیت در خلیج فارس می‌داد؛ چیزهایی نبود که مسکو از آن راضی نباشد. بنابراین تضاد ایدئولوژیک جدی انقلاب اسلامی ایران با مارکسیزم و به ویژه شعار انحرافی معروف آن مبنی بر «دین افیون توده هاست» شوروی را نیز به خصومت با این انقلاب نوپا می‌کشاند.

انقلاب ایران با ماهیت اسلامی آن بازتاب وسیعی در منطقه نیز داشت. انقلاب ایران با صبغه اسلامی خود توانسته بود نیروی متراکم جهان اسلام را به یک باره آزاد کند و نماد اسلام سیاسی را به شکل بارز آن به عرصه بکشاند. از آن مهم‌تر، این انقلاب توانسته بود، آرمان تأسیس یک «دولت اسلامی» را که بسیاری از اندیشمندان مصری در پی آن بودند، تحقق بخشد. به این ترتیب کشورهای منطقه با سه رویکرد متفاوت با این رویداد برخورد کردند. گروه نخست کشورهایی بودند که به دلیل نقش ژاندارمری امریکا از سوی شاه و سرسپردگی وی به غرب، همواره احساس خطر می‌نمودند عراق تحت رهبری صدام که خود از وابستگان به بلوک شرق بود در این گروه قرار داشت. گروه دوم با نگاه به ماهیت اسلامی انقلاب ایران از سقوط شاه استقبال نمودند و امیدوار شدند، روابط تنگاتنگ ایران-اسرائیل و ایران-امریکا به نفع کشورهای مسلمان تغییر

کند. گروه سوم ماهیت انقلاب ایران را بر خلاف نظام سکولار می‌دیدند. سادات رییس جمهور مصر در آن دسته از رهبران جهان قرار گرفت که از تغییرات صورت گرفته در ایران و تغییر رژیم به هیچ وجه خرسند نبود. در واقع نگرانی سادات از انقلاب ایران از نوع نگرانی شاه از انقلاب مصر بود. اگر زمانی شاه از اندیشه‌های ناصر واهمه داشت، سادات نیز از اندیشه‌های امام خمینی (ره) در شوراندن مردم مصر بیمناک بود. عمده‌ترین تمایز بنیان گذاران انقلاب مصر و ایران در این بود که یکی بر وحدت جهان عرب تأکید داشت و دیگری بر وحدت جهان اسلام. (علیزاده، ۱۳۸۴: ۱۴۲)

سادات نخستین مخالف خود با انقلاب ایران را با پذیرفتن محمدرضای دیکتاتور پس از فرار وی از ایران، و برای بار دوم در سال ۱۳۵۹ زمانی که حتی امریکایی‌ها نیز تحمل حضور شاه در کشورشان را نداشتند، نشان داد. طبیعی بود که این اقدام سادات یعنی پذیرفتن مجدد دیکتاتور فراری و انجام تشریفات رسمی در تدفین او، عمیقاً بر دولت جدید ایران که خواستار استرداد شاه و محاکمه او بود، گران بیاید. در واقع سادات سراسر سرنوشت روابط مصر با ایران را به دیکتاتور فراری گره زده بود، تا جایی که در پی ترور او، ایران به قصد اعلام دشمنی خود از سادات، نام خیابانی در تهران را به نام مجاهدی که وی را به هلاکت رسانده بود، تغییر داد. (علیزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۷)

پس از سادات معاون وی «حسنی مبارک» به ریاست جمهوری رسید. این در حالی بود که روابط بیشتر کشورهای عربی با مصر قطع شده بود. مبارک به ترمیم خرابی‌های گذشته در سیاست‌های سادات پرداخت. او با تأکید بر اصل «زمین در برابر صلح» و اعلام پایبندی به صلح با اسرائیل نقش رهبری جهان عرب را به تدریج به دست آورد. مبارک در رفتار سیاست خارجی خود به کسب «پرستیژ منطقه‌ای و بین‌المللی» به عنوان یک اصل می‌نگریست. بر همین اساس سعی کرد روابط تیره دوران سادات با اعراب را بازسازی کند. مبارک بدون آن که میراث سادات را انکار کند توانست در سایه یک سیاست انعطاف پذیر به تدریج پیامدهای ناشی از قرارداد کمپ دیوید را بی‌اثر کند و به تدریج مصر را که از حوزه کشورهای عربی طرد شده بود وارد گود کند و آن‌ها را به‌مشی خود متمایل سازد. (کدیور، ۱۳۷۳: ۳۳)

تحولات دهه ۷۰ ایران که به ادعای برخی، شرایط را می‌توانست به نفع ایران تغییر دهد عملاً فایده‌ای نداشت با وجود شعار تنش زدایی و گفت و گوی تمدن‌های دولت

وقت ایران، هیچ‌گونه گشایشی در زمینه سطح روابط دیپلماتیک دو کشور صورت نگرفت. تغییر شرایط جهانی ناشی از تحولات ۱۱ سپتامبر و آشکار شدن فضای تخصصی صریح غرب با جهان اسلام، برخی از کدهای ژئوپولیتیکی ترمیم روابط ایران و مصر را فعال نمود. بنابراین نه به حدی که شاهد رخداد جدی در تغییر مناسبات حاکم فی‌مابین آن‌ها بوده باشیم. از جمله در سال ۲۰۰۰ در پی عضویت ایران در گروه ۱۵، برای اولین بار، بعد از دو دهه قطع رابطه، مصر پذیرش عضویت ایران در گروه ۱۵ را تبریک گفت. همچنین دیدارهای دیگری از جمله دیدار وزیر خارجه ایران با مبارک در سال ۲۰۰۱، در حاشیه اجلاس سران گروه هشت، نشان از اراده هرچند ضعیف طرف مصری برای ترمیم روابط داشت.

در آبان ماه ۱۳۸۴، آقای منوچهر متکی که در رأس هیأتی جهت شرکت در کنفرانس وفاق ملی در عراق به سر می‌برد، با مبارک دیدار کرد. تحولات عراق، بحران سوریه و لبنان، مسایل فلسطین و پرونده هسته‌ای ایران در کنار ابعاد مشترک همکاری‌های دو جانبه از جمله موضوعات مورد بحث دو طرف در این دیدار بود. سفر خرداد ۱۳۸۵ علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی به مصر و دیدار هاشمی رفسنجانی با سرپرست دفتر منافع مصر در ایران در دی ماه ۱۳۸۵ تحولاتی مثبت در روابط دو کشور در این سال بود.

در اردیبهشت ۱۳۸۶ نیز اظهارات رییس جمهور محمود احمدی‌نژاد، طی سفر خود به کشورهای حاشیه خلیج فارس (امارات و عمان) در گفت‌وگو با خبرنگار الاهرام مصر، در مورد از سرگیری روابط دو کشور، بازتاب زیادی در عرصه بین‌المللی داشت. رییس جمهور درباره عادی‌سازی روابط ایران و مصر گفت: «با صراحت اعلام می‌کنم که امروز ما به‌طور قاطع به دنبال تجدید رابطه با مصر هستیم؛ که اگر دولت مصر اعلام آمادگی کند، تا پایان وقت اداری امروز سفارت ایران را در مصر برپا خواهیم کرد»^۱.

حداد عادل نیز در بهمن ماه ۱۳۸۶ طی سفر خود به مصر برای شرکت در اتحادیه بین‌المجالس در این کشور با مبارک دیدار و گفت‌وگو کرد. این نخستین سفر رسمی رییس یکی از قوای سه گانه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به قاهره محسوب

عوامل مؤثر بر همگرایی در روابط ایران و مصر و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

می‌شد. همچنین حسین ضرار، معاون وزیر خارجه سابق مصر در دی ماه ۱۳۸۶ به ایران سفر کرد.

احمد ابوالغیط وزیر امور خارجه پیشین مصر در آبان ۱۳۸۷ در دیدار با علیرضا- مرنندی نماینده مجلس و وزیر پیشین بهداشت ایران بر اهمیت گسترش روابط با جمهوری اسلامی ایران، تأکید کرده بود.^۱

با وقوع انقلاب در مصر و روی کار آمدن دولت تقریباً اخوانی‌ها در مصر به ریاست محمد مرسی، امیدهایی برای بهبود روابط دو کشور ایران و مصر تقویت شده است. مرسی بر این اعتقاد است که «مصر باید روابط طبیعی با ایران بر اساس منافع مشترک دو کشور و توسعه زمینه‌های هماهنگی سیاسی و همکاری اقتصادی را از سر بگیرد» چرا که به باور وی «این امر «توازن راهبردی» در منطقه ایجاد خواهد کرد» وی این مسأله را بخشی از برنامه خود خوانده است. (تابناک ۹۱/۴/۵)

حضور محمد مرسی در اجلاس افتتاحیه جنبش غیر متعهدها در تهران،- باوجود سخنرانی تا حدودی نامطلوب و اختلاف برانگیز وی درباره سوریه- به این امیدها دامن می‌زد. بنابراین تجربه تلخ لغو پرواز مسافری مستقیم تهران- قاهره که پس از چندین دهه و صرفاً برای ترویج گردشگری فی‌مابین برقرار شده بود نشان داد که دولت مرسی تحت فشار سنگین گروه‌های سلفی داخلی در مصر قرار دارد و این گروه‌ها به‌دلیل برخورداری از پشتیبانی عربستان سعودی و وابستگی دولت مرسی به کمک‌های خاندان سعودی، اجازه تغییر شرایط به نفع جمهوری اسلامی ایران را در کوتاه مدت نخواهند داد و این حرکت ترمیم روابط دو کشور مسیر سنگلاخی و صعب‌العبوری را در فراروی خود خواهد داشت.

وجه مشترک دو کشور ایران و مصر این است که هر دو اسلامی هستند و از نفوذ قابل توجهی در خاورمیانه، آسیای جنوب غربی و شمال آفریقا برخوردار هستند و از طرف دیگر هر دو کشور پتانسیل تأثیرگذاری بر بقیه مناطق را دارند. اما بیم‌هایی در جهت‌گیری پایتخت‌های دو کشور وجود دارد؛ جهت‌گیری ایران بیشتر به سمت یک سیاست خارجی مستقل واقع‌گرایانه است؛ واقع‌گرا از این جهت که حضور سربازان

خارجی در خلیج فارس، عراق و افغانستان را تحمل می‌کند و عبور آزادانه نفت در تنگه هرمز را بر تنش با سایر کشورها ترجیح می‌دهد.

در مصر تمرکز بر اتحاد در سه سطح بین‌العربی، بین‌آفریقایی و بین‌المللی تأکید می‌شود و به‌همین جهت حتی رهبران جدید مصر نمی‌خواهند که روابط آن‌ها در وهله اول با کشورهای عرب منطقه، در وهله دوم با کشورهای آفریقایی و سوم با کشورهای اروپایی و به‌ویژه آمریکا دچار مشکل شود. این مسأله سایه خودش را همچنان بر روابط ایران و مصر محفوظ نگه داشته است، در عین حال نباید انتظار داشته باشیم که مصر در سیاست خارجی خود، مانند ایران عمل کند. باید دقت کرد مصر با دیدگاه‌ها و منافع ملی خودش دارای اولویت‌هایی است که روابط با ایران در آن ارجحیت نخست ندارد؛ اما در عین حال این روابط در مسایل اقتصادی مانند توریسم و افزایش مبادلات تجاری از ۲۰۰ میلیون دلار به چندین میلیارد دلار و نیز حمل‌ونقل و کشتیرانی می‌تواند گسترش پیدا کند.^۱

عوامل و بسترهای همگرایی ایران و مصر پس از مبارک

حوزه سیاسی

بازگشایی معبر رفح و کمک به مردم فلسطین

وقوع تغییرات در سیاست خارجی مصر و نزدیکی این کشور به ایران و توجه بیشتر به شرایط غزه باعث شده است که دیگر سیاست خارجی مصر با منافع آمریکا همسو نباشد. این سیاست خارجی جدید، نتیجه پیروزی قیام مردم مصر علیه رژیم مبارک است. معمار این سیاست جدید هم «نبیل العربی» وزیر امور خارجه ۷۵ ساله جدید مصر است. این مسأله در راستای سیاست خارجی مشترک ایران و مصر قرار می‌گیرد. البته به شرطی که مصر در ادامه روند بازگشایی معبر رفح و کمک به مردم ایران با ایران همسو باشد و این مسأله زمینه ساز همکاری‌های مشترک فی‌مابین باشد. این تغییر رویه نه تنها برای مصر بلکه برای ایران نیز که در منطقه از جایگاه استراتژیک بهره می‌برد، ارزش زیادی دارد.

۱- مصاحبه عباس مالکی استاد دانشگاه تهران چهارشنبه ۵ مرداد ۹۰.

حوزه امنیتی

می‌توان گفت که برخی از عوامل باعث تأخیر در روابط مشترک ایران و مصر می‌شوند که به واگرایی روابط دو طرف منجر خواهد شد. مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

اختلاف مذهبی مصر و ایران

باید گفت اختلاف مذهبی بین مصر که بزرگترین کشور سنی در منطقه است و ایران که پرچم‌دار تشیع در جهان اسلام است، وجود دارد. از سوی دیگر ایران اندیشه صدور انقلاب اسلامی را در سیاست‌های خود اعمال کرده است که پرچمدار آن امام‌خمينی(ره) بوده است. با توجه به نقش مهم مصر در شمال آفریقا و جهان اسلام، نگاه بسیاری از شیعیان به سوی این کشور جلب شده است و تلاش می‌کنند تا با روش‌های گوناگون از پتانسیل مصر برای گسترش مذهب خود استفاده کنند. نتیجه چنین روندی بر سیاست مصر تأثیر گذاشته است تا جایی که مقامات مصر اقدامات جدی را برای تقابل با اندیشه و تشکر شیعی اتخاذ کرده‌اند و ده‌ها فعال شیعی را در این کشور بازداشت کرده‌اند و اقدام به محدود کردن فعالیت‌های شیعیان در این کشور کرده‌اند و اتهامات زیادی را به رهبران شیعه نسبت داده‌اند. این ضربات امنیتی از طرف مقامات مصری و اعمال فشار بر شیعیان بر روابط فی‌مابین مصر و ایران تأثیری منفی گذاشته است. در مورد عراق نیز همین اختلاف وجود دارد. در حالی که ایران از شیعیان جهان در هر جای دنیا و از جمله در عراق حمایت می‌کند، مصر خواهان جلوگیری از تشکیل حکومت شیعه در عراق است و نگران تبعات خارج شدن عراق از نفوذ زمام‌داران اهل تسنن و به قدرت رسیدن شیعیان است. در همین چارچوب قاهره خواستار استقرار یک رژیم میانه‌رو در عراق بوده است. (www.noor-hekmat.com, 1390)

جبهه‌گیری مصر در کنار آمریکا و اسرائیل (محور آمریکا و اسرائیل و دوری از ایران)

از زمان امضای معاهده کمپ دیوید بین مصر و اسرائیل در زمان انورالسادات، مصر به‌عنوان اهرم اصلی دنبال‌کننده سیاست آمریکا در منطقه مطرح شد. به همین دلیل سیاست خارجی مصر در طی سی سال در گرو ارتباط با این محور بود. پس مصر زمان مبارک سعی می‌نمود تا به جهت‌گیری یا اقدام سیاسی که در خارج از چارچوب سیاست مشترک این کشور با امریکاست، متوسل نشود و رابطه‌اش را با هر دولتی از جمله ایران که در صف حامیان منافع امریکا نیست، قطع یا محدود کند.

حوزه اقتصادی

مصر کشوری است که در دوران حسنی مبارک و قبل از آن روابط قوی اقتصادی و دیپلماتیک را با ایالات متحده تجربه کرده است و ارتباط اقتصادی و سیاسی را با امریکا در اولویت برنامه سیاست خارجی خود قرار داده است. شاید در دوران پس از حسنی مبارک هم اصلی‌ترین اولویت دستگاه سیاست خارجی مصر باز ایالات متحده باشد؛ اما حقیقت امر این است که رابطه با تهران هم از اهمیت فوق‌العاده‌ای در این روزهای مصر برخوردار است. تهران و قاهره از سه دهه پیش تاکنون تیرگی در رابطه را تجربه کرده‌اند و این در حالی است که قرار نیست اوضاع بر همین منوال باشد. از روزی که حسنی مبارک با قدرت در قاهره وداع کرد تا همین امروز هر بار سیگنال‌های متفاوتی برای از سرگیری رابطه با تهران از سوی دولت‌مردان این کشور دیده شده است. برخی ادعا می‌کنند که قاهره به‌ناچار باید رابطه بهتری را با تهران تجربه کند و برخی ضرورتی برای این از سرگیری رابطه نمی‌بینند.

بازنگری در قرارداد فروش گاز به رژیم صهیونیستی

پس از برکناری حسنی مبارک از قدرت در مصر روند تصمیم‌گیری در بین مسئولان این کشور بیش از پیش تحت تأثیر خواسته‌های دموکراتیک مردم بود و مصر دیگر حامی بی چون و چرای سیاست و منافع رژیم صهیونیستی نبود. برای مثال «سمیر رضوان» وزیر دارایی مصر با اشاره به این‌که قاهره در پی امضای توافق صلح به اسرائیل مجبور به صدور گاز نشده، افزود: از امروز قیمت گاز صادراتی مصر را اصلاح خواهیم کرد. وی با تأکید بر این‌که اصلاح قیمت گاز صادراتی مصر مجاللی برای جنجال ندارد، افزود: در این زمینه هیچ بحثی با اردن، اسرائیل، سوریه و اسپانیا نداریم و از امروز اصلاح قیمت گاز صادراتی را با توجه به قیمت جهانی در دستور کار قرار می‌دهیم. این اظهار نظرها نشان دهنده چرخش صد و هشتاد درجه‌ای سیاست خارجی مصر به سوی خواسته‌های مردمی و مبارزه با دست‌اندازی‌های رژیم صهیونیستی است. باید گفت رژیم مبارک در طول سه دهه گذشته امتیازات فراوانی به رژیم صهیونیستی داده که فروش گاز بسیار پایین‌تر از قیمت جهانی به رژیم اسرائیل از جمله آن‌ها بود. این در حالی است که برخی مخالفان رژیم مبارک تأکید داشتند که قیمت گاز صادراتی به اسرائیل حتی از گازبهای مردم مصر نیز در این سال‌ها کمتر بوده است.

حوزه فرهنگی

پس از سقوط حسنی مبارک فصل جدیدی از روابط فرهنگی میان مصر و ایران شروع شد که قبلاً با محدودیت بی‌شمار مواجه بود. در دوران مبارک اجازه داده نمی‌شد که مصری‌ها آزادانه با ایران در ارتباط باشند و حتی ایران تلاش کرد تا در نمایشگاه کتاب قاهره شرکت کند که مقامات مصری اجازه این کار را ندادند. اما در شرایط کنونی این موانع برطرف شده و فصل جدیدی آغاز شده و مصر در بین کشورهای عربی جایگاه والایی در عرصه فرهنگی دارد که ایران علاقه دارد با این کشور در زمینه فرهنگی بیشتر در تعامل باشد. تصور می‌شد که مصر در نظام سیاسی بعد از مبارک، از نقطه نظر استراتژیک به شدت تمایل دارد تا روابط بهتری را با جمهوری اسلامی ایران و دیگر اعضای «بلوک مقاومت» دنبال کند. در همین حال کاوه افراسیابی، نویسنده کتاب پس از امام خمینی، بر این عقیده است که عادی سازی روابط تهران- قاهره به معنی تعیین هویت سیاسی مصر و رهبران تازه آن است که می‌کوشند به صورت مستقل در عرصه جهانی وارد عمل شوند. با این وجود هنوز هم ایران و مصر روابط با ثباتی ندارند و بسیاری از تفاهم‌نامه‌ها شامل تفاهم‌نامه گردشگری که به تازگی منعقد شده است به مجوز امنیتی نیاز دارد. از سوی دیگر در اکتبر گذشته تفاهم‌نامه‌ای در مورد از سرگیری پروازهای مستقیم به مقصد پایتخت‌های دو کشور به امضا رسید که خشم ایالات متحده را به دنبال داشت. مارک تونر سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا به مصر هشدار داده بود تا زمانی که ایران به تعهدات بین‌المللی خود عمل نکرده است، روابط تجاری جدیدی با این کشور برقرار نکند. بنابراین ماجرای تعلیق این پروازها از رزهای سختی در روابط دو کشور حکایت می‌کنند.

دخالت بازیگران فرا منطقه‌ای

نگاه کلان به تحولات مصر و انتفاضه مردم این کشور ناظر بر تحلیل این تحولات در چارچوب تلاش واشنگتن برای ایجاد نظم هژمونیک و از میان برداشتن موانع رهبری جهانی آمریکا از طریق ساخت «خاورمیانه بزرگ یا خاورمیانه جدید» و همچنین پاسخ ملت‌ها به این تلاش‌ها و اقدامات محور آمریکا است. در این رابطه با توجه به محدود شدن دخالت آمریکا در مصر پس از مبارک تصمیم سازان و مقامات کاخ سفید، برای عبور از موانع رهبری جهانی آمریکا سعی نمودند از مؤلفه‌های پیروزی در جنگ سرد

یعنی «برتری نظامی» و «ترویج دموکراسی» الهام بگیرند. امروزه با توجه به گسترش شبکه‌های اجتماعی مانند فیس بوک، تویتر و افزایش آگاهی مردم از طریق شبکه‌های مجازی، امریکا در ترویج دموکراسی در مصر با مشکل مواجه شد و مردم این کشور به سرعت خواهان حفظ استقلال مصر از امریکا و رژیم صهیونیستی و بستن سفارت اسرائیل در قاهره و قطع صدور گاز و بالا بردن قیمت آن به اسرائیل شدند. پس می‌توان گفت امریکا در ترویج و ظهور دموکراسی و هدایت آن به سمت منافع خود در مصر و خاورمیانه اشتباه کرد. بنابراین اقدامات اخیر امریکا بر اساس طرح مذکور طی ده سال گذشته در مصر و خاورمیانه نه تنها وضعیت این منطقه را متناسب با انتظارات و اشنگتن دگرگون نکرد، بلکه انزجار ملت‌ها از سیطره امریکا و سیاست‌های جنگ افروزانه و ریاکارانه این کشور را در ترویج دموکراسی دروغین و همچنین روی‌گردانی از حکومت‌های دست‌نشانده افزایش داد. شاید در دوران پس از حسنی مبارک هم اصلی‌ترین اولویت دستگاه سیاست خارجی مصر باز هم روابط ایالات متحده و مصر باشد.

نخستین عاملی که باعث شد تحلیل‌گران به فکر بازسازی رابطه میان ایران و مصر بعد از حسنی مبارک بیفتند ماجرای عبور ناوهای ایرانی از کانال سوئز بود. این دو ناو جنگی برای نخستین بار در ۳۲ سال گذشته از کانال سوئز عبور کردند. در میانه اعتراض اسرائیلی‌ها، مصر مجوز عبور ایران از کانال سوئز را صادر کرد. بسیاری از تحلیل‌گران ادعا می‌کنند که نبیل‌العربی که اخیراً عنوان وزیر امور خارجه مصر را در دست گرفته به دنبال انفجاری سیاسی در عرصه دیپلماتیک مصر است. در زمره این انفجارها هم بحث عادی سازی رابطه با ایران است. نبیل‌العربی یک بار در نخستین روزهای به‌دست گرفتن قدرت در خصوص ایران گفت: ایران همسایه ما است و ما سابقه تاریخی طولانی با هم داریم. وزیر امور خارجه تازه منصوب حتی پا را از این هم فراتر نهاده و تأکید کرد که مصر ایران را دشمنی برای خود نمی‌داند و تأکید کرد که رابطه میان دو کشور مانند گذشته نخواهد بود: ما فصل جدیدی در روابط خود با تمامی کشورها را تجربه خواهیم کرد که ایران نیز در زمره همین کشورها خواهد بود.

تجزیه و تحلیل سؤالات تحقیق

حمایت ایران از موضوع فلسطین به عنوان یک عامل مؤثر بر همگرایی در روابط ایران و مصر چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند داشته باشد؟ از آنجایی که دولت اسلام‌گرای مرسى متأثر از آموزه‌های اخوان‌المسلمین بوده و در زمینه مبارزه با رژیم صهیونیستی و احقاق حقوق فلسطینیان نمی‌تواند خود را جدای از دیدگاه اخوانی تصور نماید؛ بنابراین با اتخاذ تصمیمات امیدوارکننده‌ای، ولو با محافظه‌کاری و احتیاط خاص دولتی، قدم در مسیر آینده می‌گذارد. این نگاه، اگرچه در شرایط کنونی از شیب و شتاب مناسبی برخوردار نیست؛ بنابراین با توجه به این نکته که اخوان‌المسلمین مسأله فلسطین را یک مسأله جوهری برای خود به‌شمار می‌آورد و جهاد در راه آزادی فلسطین اشغالی از چنگال صهیونیست‌های غاصب را یک واجب عینی به‌شمار می‌آورد، از این رو همین پدیده می‌تواند بستر مناسبی برای همگرایی روابط ایران و مصر پدید آورد.

بنابراین در پاسخ به سؤال بالا این تحقیق می‌توان گفت که:

تحولات اخیر غزه و روندی که به‌فعال‌تر شدن قاهره در معادله فلسطین منجر شد به‌خوبی نشان داد که ایران در این صحنه توانست با کمک مصر طرح هماهنگ شده در دو سطح بین‌الملل و منطقه‌ای را بشکند و مانع پایمال شدن حقوق مردم و آمال فلسطین شود، این همگرایی میان ایران و مصر در جنگ هشت روزه غزه موجب وصول سریع‌تر مبارزان فلسطینی به‌حقوق حقه خود در نبرد نابرابر با رژیم صهیونیستی شود. بر همین اساس اگر بگوییم این بار فلسطین دو دولت قاهره و تهران را به‌هم نزدیک کرده و علیرغم مواضع متفاوت در یک مسیر قرار داده است، سخن‌گرافی نگفته‌ایم. این امر در صورت وقوع می‌تواند امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش تقویت نماید.

باتوجه به قدرت‌گیری اخوان‌المسلمین در مصر جدید، حمایت تاریخی ایران از اخوان‌المسلمین به‌عنوان یک عامل همگرایی در روابط ایران و مصر چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند داشته باشد؟

اگر چه رابطه ایران با اخوانی‌ها در دوران حکومت مبارک از عوامل عدیده مؤثر بر واگرایی روابط ایران و مصر به‌شمار می‌رفت. بنابراین روابط فعلی و آینده بین

جمهوری اسلامی ایران و جمعیت اخوان المسلمین - که متأثر از تحولات شگرفی است که اخیراً در جهان روی داده و نظام بین‌المللی گذشته را دگرگون ساخته است. - این تحولات سریع خط و مشی و شیوه مبارزه جمعیت را دچار تغییراتی عمده نموده و خواهد کرد. از سوی دیگر تجربه ذی‌قیمت دولت‌داری انقلابیون ایران که در عین حفظ و رعایت عزت، حکمت و مصلحت، دچار دگردیسی محافظه‌کارانه مرسوم دولت‌ها نشده است برای اخوان بی‌تجربه در امر دولت‌داری عطیه‌ای بی‌بدیل بوده و در صورت برنامه‌ریزی مناسب و اصولی و تأکید بر مشترکات و سوابق رابطه جمهوری اسلامی ایران با این گروه ریشه‌دار می‌تواند ضمن تأثیر عمده بر همگرایی روابط ایران و مصر روابط آن را با سایر اصول‌گرایان مسلمان نیز تغییر دهد. امری که بی‌شک تحقق آن تأثیر بسیار مثبتی بر تقویت و ارتقای امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت.

عضویت دو کشور ایران و مصر در کنفرانس اسلامی، جنبش عدم تعهد و... به‌عنوان یک عامل مؤثر بر همگرایی در روابط ایران و مصر چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند داشته باشد؟

مصر در سیاست خارجی خود به‌دنبال تجدیدنظر طلبی و قطع ارتباط با متحدان قبلی (غرب و همسایگان عربی خود) نیست؛ بلکه مصر به‌تحقق ثبات منطقه‌ای فکر می‌کند و با افزایش قدرت مانور دیپلماتیک خویش به‌دنبال تحصیل هر چه بیشتر منافع ملی خویش است. منفعت راهبردی مصر در شرایط موجود در تحقق توسعه اقتصادی و رشد فنآوری‌های نوین است. برای رسیدن به این مهم مصر راهکارهای خارجی و داخلی مد نظر قرار داده، در داخل ایجاد توازن قدرت و بهره‌گیری از ظرفیت‌های تمام نیروهای سیاسی و در خارج همگامی با نیازهای بین‌المللی و همکاری‌های با قدرت غربی و عربی و در مرحله بعد کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی و جنبش عدم تعهد را دنبال می‌کند. امری که موجب می‌شود ایران و مصر را در بهره‌گیری از ظرفیت سازمان کنفرانس اسلامی و حتی جنبش عدم تعهد برای حل و فصل مسایل منطقه‌ای نظیر بحران فلسطین و مقوله «خاورمیانه عاری از سلاح‌های هسته‌ای» به همگرایی و اتخاذ تصمیمات متقارب و شاید یکسان سوق دهد. تمرکز سازمان کنفرانس اسلامی و کشورهای عضو جنبش عدم تعهد بر طرح «خاورمیانه عاری از سلاح‌های هسته‌ای» به‌عنوان طرح مشترک مصر و ایران، به‌رغم رد از سوی مراکز بین‌المللی بستر مناسبی

عوامل مؤثر بر همگرایی در روابط ایران و مصر و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

برای همکاری‌های فی‌مابین ایران و مصر قلمداد می‌شود که در نبود روابط گسترده رسمی فی‌مابین ایران و مصر می‌تواند تا حدودی خلأ نبود این رابطه را پر نموده در کاهش واگرایی کنونی در این رابطه، نقش مثبتی ایفا نماید. حضور محمد مرسی در اجلاس افتتاحیه اجلاس هیجدهم کشورهای غیر متعهدها در تهران و سخنرانی در آن - با وجود همه انتقاداتی که درباره موضع وی در قبال سوریه در آن اجلاس از سوی ایران به عمل آمد- می‌تواند بسترساز گسترش همکاری‌ها و سطح روابط دو کشور در موضوعات مشترک منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم آورد. این مسأله ضمن ترمیم وضعیت کنونی، تأثیر بسیار مثبتی در امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران به دنبال خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این تحقیق، هیچ‌گونه همگرایی در روابط ایران و مصر مشاهده نمی‌شود و صرفاً برخی از عوامل مؤثر بر همگرایی در روابط فی‌مابین به چشم می‌خورد که می‌تواند امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر خود قرار دهد. از این رو در راستای تحقق اهداف این پژوهش و به‌یافته‌های آن، عوامل مؤثر بر همگرایی در روابط ایران و مصر که بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران تأثیر دارند به شرح زیر می‌باشد:

عوامل همگرایی مؤثر بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران:

۱- هر دو کشور در سایه دین اسلام و تمدن اسلامی قرار دارند، مردم مصر علناً دارای تمایل فراوان برای تفاهم و نزدیکی با سایر برادران مسلمان از جمله شیعیان می‌باشند که پس از پیروزی انقلاب این تمایل افزایش یافته که جلوه‌های آن در حمایت از حزب ا... در مقابل اسرائیل مشاهده می‌شود؛

۲- حمایت ایران از اخوان‌المسلمین و تمایل انقلابیون مصر به برقراری رابطه با ایران؛

۳- حمایت ایران و مصر از مبارزان فلسطینی و نزدیکی مواضع دو کشور در حوزه مسأله فلسطین.

کتابنامه:

منابع فارسی

- ۱- امیر احمدی، هوشنگ (۱۳۷۵)، سیاست خارجی منطقه‌ای ایران، تهران: اطلاعات سیاسی و اقتصادی شماره ۷۱-۷۳.
- ۲- بهزادی، حمید (۱۳۶۸)، اصول و روابط بین الملل و سیاست خارجی، تهران: دهخدا.
- ۳- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پی تحولات منطقه‌ای، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۴- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۶)، ژئوپلیتیک، تهران: دانشگاه.
- ۵- سعیدیان، امیر (۱۳۷۴)، سیاست فرهنگی، تهران: دانشگاه.
- ۶- طیبیان، محمدرضا (۱۳۶۲)، استراتژیک نظامی و دفاعی، تهران: دانشگاه دفاع ملی.
- ۷- عاشوری، داریوش (۱۳۷۰)، دانشنامه سیاسی، تهران: مروارید.
- ۸- عزتی، عزت‌ا... (۱۳۶۸)، ژئوپلیتیک در قرن بیستم، تهران: سمت.
- ۹- علیزاده، حسین (۱۳۸۴)، بررسی توصیفی تحلیلی تاریخ روابط ایران و مصر، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۱۰- عمید، حسن (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیر کبیر.
- ۱۱- کدیور، جمیله (۱۳۷۳)، مصر از زاویه ای دیگر، تهران: اطلاعات.

منابع خارجی و وب‌گاه‌ها

- 1- www.afarineshdaily.ir/afarinesh/news
- 2- www.hamshahrionline.ir/news
- 3- www.khabarfarsi.com
- 4- www.noor-hekmat.com